

Relationship between extraversion/neuroticism and mental well-being: The mediating role of mindfulness

**نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی در رابطه میان برون‌گرایی /
نورزگرایی و بهزیستی ذهنی**

Somayeh Alinasab, Mahnaz Shahgholian, Mohammad Naghi Farahani

سمیه علی‌نسب^۱، مهناز شاهقلیان^۲، محمد نقی فراهانی^۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۱۹

پذیرش اولیه: ۱۳۹۶/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۰

Abstract

چکیده

The aim of this research was to study the mediating role of mindfulness in the relationship between extraversion/neuroticism and mental well-being. In a correlational study, ۱۵۲ Kharazmi university students (۶۱ male, ۹۱female) were randomly selected and answered the short-form Revised Eysenck Personality Questionnaire (EPQR-S) and the Mindfulness Attention Awareness Scale (MAAS). The Satisfaction with Life Scale (SWLS) and the Positive and Negative Affect Scale (PANAS) were used for assessing mental well-being. The results showed a positive relationship between extraversion and mental well-being and mindfulness. Also, There was a negative relationship between neuroticism and mental well-being and mindfulness. Hierarchical regression analysis showed mindfulness had a mediating role in the relationship between extraversion and positive affect. Also, mindfulness had a mediating role in the relationship between neuroticism and negative affect and in the relationship between neuroticism and life satisfaction. Trait mindfulness could explain the relationship between individual differences in personality with psychological health.

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ابعاد شخصیت برون‌گرایی/ نورزگرایی و بهزیستی ذهنی با توجه به نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی بود. در یک مطالعه همبستگی، تعداد ۱۵۲ نفر (۶۱ پسر، ۹۱ دختر) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه خوارزمی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به فرم کوتاه پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیزنک و مقیاس ذهن آگاهی رگه پاسخ دادند. برای ارزیابی بهزیستی ذهنی با توجه به تعریف آن، از دو مقیاس رضایت از زندگی و مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد برون‌گرایی با بهزیستی ذهنی و ذهن آگاهی، رابطه مثبت و نورزگرایی با بهزیستی ذهنی و ذهن آگاهی، رابطه منفی دارد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد ذهن آگاهی دارای نقش میانجی در رابطه بین برون‌گرایی و عاطفه مثبت است. همچنین ذهن آگاهی در رابطه بین نورزگرایی و عاطفه منفی و در رابطه بین نورزگرایی و رضایت از زندگی به عنوان واسطه عمل کرده است. سازه ذهن آگاهی می‌تواند تبیین‌کننده رابطه تفاوت‌های فردی در حوزه شخصیت با سلامت روانی باشد.

Keywords: Extraversion, Neuroticism, Mindfulness, Mental well-being, life satisfaction.

واژگان کلیدی: برون‌گرایی، نورزگرایی، ذهن آگاهی، بهزیستی ذهنی، رضایت از زندگی

^۱ (نویسنده مسئول). کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. alinasabsomayeh@yahoo.com

^۲ گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۳ گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، موسسه تحقیقات تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.



مقدمه

بلکه وضعیت خلق و ارزیابی شناختی افراد از رویدادها و شرایط را نیز نشان می‌دهد (بردلی و کرون^۹، ۲۰۰۴). دو مؤلفه دیگر بهزیستی ذهنی، به عنوان عاطفه مثبت و عاطفه منفی شناخته می‌شوند. عاطفه مثبت نشان می‌دهد که یک شخص تا چه اندازه شور و شوق به زندگی دارد و عاطفه منفی نشان می‌دهد. عاطفه مثبت، شادی، سرزندگی، اعتماد به نفس، هوشیاری، تمرکز داشتن، مصمم بودن و تمایل به تعامل و رویارویی با محیط را شامل می‌شود (واتسون، کلارک و تلیگن^{۱۰}، ۱۹۸۸). عاطفه منفی شامل هیجاناتی است که ناخوشایند هستند و تجربه پاسخ‌های منفی افراد در واکنش به زندگی را نشان می‌دهند. عاطفه منفی مواردی مانند عصبانیت، غمگینی، اضطراب، نگرانی، استرس، ناکامی، احساس گناه، رشک و افکار آسیب رساندن به خود را شامل می‌شود (دینر، ۲۰۰۵).

ابعاد شخصیت به عنوان چارچوبی با اهمیت در درک ساختار رفتار آدمی، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است و در بسیاری از موارد که این پژوهشگران به دنبال تبیین رفتار هستند به عنوان یک متغیر مهم تلقی می‌شود. از حوزه مطالعات شخصیت و هیجان استنباط می‌شود که صفات شخصیت و حالات عاطفی همبستگی بالایی دارند (راستینگ و لارسن^{۱۱}، ۱۹۹۸). اگر چه ابعاد شخصیت بسیاری وجود دارند؛ ولی برون‌گرایی و نورزگرایی قطب‌های اصلی گستره تفاوت‌های فردی را مشخص می‌کنند و البته این دو بعد مشخص‌تر از سایر ابعاد شخصیت، با عاطفه و هیجان مرتبط می‌باشند. از میان ویژگی‌های شخصیت، برون‌گرایی در پیش‌بینی عاطفه مثبت عاملی مهم است و نورزگرایی در پیش‌بینی عاطفه منفی نقش اساسی دارد (دنیو و کوپر^{۱۲}، ۱۹۹۹)؛ به نقل از گوتیرز، جیمنز، هراندز و پونته^{۱۳}، ۲۰۰۵). پژوهش هیلز و آرجیل^{۱۴} (۲۰۰۲) نیز نشان داد، برون‌گرایی ارتباط مثبت معناداری با شادکامی دارد و نورزگرایی با شادکامی

شاخه روان‌شناسی مثبت‌نگر، علاقه‌مند به پژوهش به منظور فهم کامل و گسترده تجارب انسان، از رنج و اختلال روانی تا بهزیستی و سلامت روانی است (کابل و هیدت^۱، ۲۰۰۵). در این شاخه از روان‌شناسی، شناخت و درک جنبه‌های مثبت تجربه‌های انسانی و فهم این که چه چیزی سبب زندگی ارزشمند می‌شود، جزو اهداف اصلی است (جووزف و لیندلی^۲، ۲۰۰۶). احساس بهزیستی از جهات مختلفی مانند تأمین سلامت روانی، سلامت جسمانی و افزایش طول عمر، اثبات ارزش شادکامی برای انسان و اندازه‌گیری شاخص کیفیت زندگی اهمیت دارد.

فریش^۳ (۲۰۰۶) مطالعه احساس ذهنی بهزیستی و ارتقای آن را بزرگ‌ترین چالش علمی بشر بعد از پیشرفت در زمینه فن‌آوری، پزشکی و ثروت می‌داند. رایان و دسی^۴ (۲۰۰۱) بهزیستی ذهنی را حالتی از "عملکرد روان‌شناختی بهینه"^۵ در نظر گرفته‌اند که از سوی افراد تجربه می‌شود. به اعتقاد کیز^۶ (۱۹۹۸) بهزیستی ذهنی، ارزیابی است که افراد از زندگی خود در ابعاد سلامت هیجانی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی دارند. سلامت هیجانی به تعادل بین عاطفه مثبت و منفی اشاره دارد. سلامت روان‌شناختی، ملاکی شخصی برای ارزیابی فردی، از کنش‌های روان‌شناختی است و سلامت اجتماعی ملاکی عمومی و اجتماعی برای ارزیابی کنش‌های اجتماعی افراد در زندگی و در تعامل با دیگران است. دینر، سو، لوکاس و اسمیت^۷ (۱۹۹۹) برای مفهوم نظری بهزیستی ذهنی سه بعد پیشنهاد کردند: الف) رضایت، ب) تجربه عاطفه خوشایند، ج) سطوح پایین عاطفه ناخوشایند. به اعتقاد نیکلا و جوگ^۸ (۲۰۰۷) مؤلفه اول (جنبه شناختی سلامت ذهن) در رابطه با این است که افراد چه ارزیابی از حیطة-های مختلف زندگی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رضایت از زندگی انعکاس شرایط و حوادث واقعی نیست؛

^۱. Gable & Haidt

^۲. Joseph & Lindley

^۳. Frisch

^۴. Ryan & Deci

^۵. Optimal Psychological Functioning

^۶. Keyes

^۷. Diener, Suh, Lucas & Smith

^۸. Nikolaou, Judge

^۹. Bradley, Corwyn

^{۱۰}. Watson, Clarck & Tellegen

^{۱۱}. Rusting & Larsen

^{۱۲}. Gutierrez, Jimenez, Hernandez & Puente

^{۱۳}. Hilles & Argyl



اجتماعی، ارتباط نورزگرایی با بهزیستی را متناقض نشان می‌دهند.

یکی از عوامل مورد علاقه پژوهشگران برای شناسایی فرآیندهای شناختی/عاطفی میانجی در این زمینه، متغیر ذهن‌آگاهی بوده است. تصور می‌شود ذهن‌آگاهی در کاهش بهزیستی افراد نورزگرا سهیم است. در بررسی نقش ذهن‌آگاهی در عاطفه و خلق، نتایج نشان می‌دهد که ذهن‌آگاهی پیش‌بینی‌کننده رفتار خودتنظیمی و حالات هیجانی مثبت بوده و از طریق ایجاد ترکیب سرزندگی و شفافیت در تجربه هیجان‌ها می‌تواند بر روی شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی موثر باشد (براون و رایان،^۶ ۲۰۰۳).

ذهن‌آگاهی دارای دو معنا است. در روان‌شناسی بالینی و آسیب‌شناسی روانی، به معنای پرورش قدرت توجه برای افزایش آگاهی از افکار، هیجان‌ها و احساس‌های بدن است و یکی از تکنیک‌هایی است که برای کاهش افسردگی و اضطراب به کار برده می‌شود و هدف از این تکنیک در درمان متمرکز کردن، کم کردن قضاوت و ایجاد هدفمندی در شیوه توجه کردن به مسائل درونی و بیرونی است (کابات‌زین،^۷ ۲۰۰۲). در تعریف دوم که در بافت روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی مثبت مطرح است مقصود از ذهن‌آگاهی که از آن به ذهن‌آگاهی رگه^۸ هم یاد می‌شود، تفاوت‌های فردی است که افراد را از لحاظ میزان در لحظه حال زیستن، رها بودن از نگرانی و درگیر زندگی به صورت هدفمند و آگاهانه بودن از هم متمایز می‌کند (رایان و براون،^۹ ۲۰۰۳). در ذهن‌آگاهی، هدف تغییر محتوای افکار نیست، بلکه هدف ایجاد یک رابطه یا نگرش متفاوت با افکار، احساسات و عواطف است که شامل حفظ توجه کامل و لحظه‌به‌لحظه و نیز داشتن نگرش همراه با پذیرش و به دور از قضاوت است (ولز،^{۱۰} ۲۰۰۹). ذهن‌آگاهی می‌تواند باعث ایجاد تغییراتی در الگوهای فکری یا نگرش فرد درباره افکارش شود. در واقع، وقتی ذهن‌آگاهی افزایش می‌یابد، توانایی عقب ایستادن و مشاهده کردن حالت‌هایی مثل اضطراب افزایش می‌یابد. در

ارتباط منفی دارد. همچنین گوتیرز و همکاران (۲۰۰۵) و چنج و فارنهام^۱ (۲۰۰۳) بر ضرورت توجه به نقش ویژگی‌های شخصیت، به ویژه نورزگرایی، در تجربه هیجان‌های منفی و برون‌گرایی در تجربه هیجان‌های مثبت تأکید کرده‌اند.

آیزنک (۱۹۶۷؛ به نقل از متیوز و گیلی‌لند،^۲ ۱۹۹۹) بعد برون‌گرایی - درون‌گرایی را به فعالیت مسیر شبکه‌ای-قشری مغز و بعد نورزگرایی را به فعالیت مسیر احشایی-قشری مغز نسبت می‌دهد. به اعتقاد آیزنک نورزگراها برانگیخته‌تر از افراد پایدار هیجانی هستند. همچنین نورزگرایی به میزان زیادی با اضطراب مرتبط است. در مقابل، برون‌گرایی با هیجان مثبت ارتباط دارد؛ زیرا میزان فعالیت مسیر شبکه‌ای-قشری در برون‌گراها کمتر از درون‌گراها است و پایین بودن این برانگیختگی به لحاظ ذهنی خوشایند است (متیوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹). بنابراین می‌توان این‌گونه تصور کرد که در شرایط مواجهه با محرک‌های مثبت و منفی، برون‌گرایی بیشتر با تجربه حالات عاطفی مثبت و نورزگرایی بیشتر با تجربه حالات‌های عاطفی منفی مرتبط است. پس افراد نورزگرا و برون‌گرا نسبت به سایرین، با هیجان‌های شدیدتری به محرک‌های هیجانی پاسخ می‌دهند (زلنسکی و لارسن،^۳ ۲۰۰۲).

در مطالعات مختلف سعی بر آن بوده است که مکانیسم اثرگذاری نورزگرایی در افت بهزیستی ذهنی بررسی شود. این مطالعات عوامل مختلفی از جمله حوزه‌های زیستی، اجتماعی و روانی شناسایی کرده‌اند. در رابطه با عوامل اجتماعی، حمایت اجتماعی و بهزیستی هر دو به طور منفی با نورزگرایی مرتبطند (اسویکرت، هیتنر و فوستر،^۴ ۲۰۱۰). اما نکته جالب توجه این است که در زمینه عوامل زیستی مشخص شده است که بهزیستی و نورزگرایی پایه‌های ژنتیکی مشترکی دارند (ویس، بتز و لوسیانو^۵ ۲۰۰۸). بنابراین شواهد مبتنی بر عوامل زیستی و

^۱. Brown & Ryan

^۲. Kabat-Zin

^۳ trait

^۴. Wells

^۱. Cheng, Furnham

^۲. Matthews, Gilliland

^۳. Zeleneski & Larsen

^۴. Swickert, Hittner & Foster

^۵. Weiss, Bates & Luciano



نورزگرایی به دلیل ارتباط با عاطفه منفی، رابطه منفی بسیار قوی با ذهن آگاهی دارد. البته به درستی مشخص نشده است که آیا نورزگرایی به ذهن آگاهی ضعیف می‌انجامد یا ذهن آگاهی ضعیف منجر به نورزگرایی می‌شود. در مورد برون‌گرایی، برخی پژوهش‌ها به ارتباط مثبت این بُعد با ذهن آگاهی و برخی به ارتباط منفی این دو اشاره کرده‌اند. از آنجا که ارتباط یکسانی میان برون‌گرایی و ذهن آگاهی به‌دست نیامده است، گیلوک (۲۰۰۹) در فراتحلیل خود از اظهار نظر در این زمینه خودداری کرده و بررسی این ارتباط را به پژوهشگران بعدی پیشنهاد کرده است. هم برون‌گرایی (دینر و همکاران، ۱۹۹۹) و هم ذهن آگاهی (براون و همکاران، ۲۰۰۷) با هیجان مثبت رابطه دارند. با وجود این، نیاز به فعالیت، برانگیختگی و تحریرک نیز از دیگر ویژگی‌های افراد برون‌گرا است (کاستا و مک‌کری^{۱۱}، ۱۹۹۲). چنین نیازی ممکن است ذهن آگاهی نسبت به لحظه جاری را متأثر سازد. بنابراین، ارتباط مطرح شده بین ذهن آگاهی و برون‌گرایی هنوز تا حدودی مبهم و نامشخص است. همچنین تصور می‌شود افراد ذهن آگاه به دلیل میل به کسب تجارب نو و تازه، توانایی بالایی در تحمل گستره‌ای از افکار، هیجان‌ها و تجارب داشته باشند (بیر، ۲۰۰۳؛ براون و همکاران، ۲۰۰۷). بر این اساس انتظار می‌رود ذهن آگاهی با نورزگرایی رابطه منفی و با برون‌گرایی رابطه مثبت داشته باشد. نتایج پژوهش‌های جدیدتر مانند ویب^{۱۲} (۲۰۱۳) نشان داد که نورزگرایی رابطه مثبتی با ذهن آگاهی و رابطه منفی با بهزیستی دارد.

با توجه به آنچه بیان شد و با در نظر داشتن یافته‌های متناقض در پیشینه پژوهش، هدف پژوهش حاضر بررسی فرضیه نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی در رابطه بین نورزگرایی/برون‌گرایی و بهزیستی ذهنی است.

روش

الف) جامعه و نمونه

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر رشته‌های

نتیجه می‌توان خود را از الگوهای رفتاری خودکار رها کرد و از طریق درک و دریافت مجدد، دیگر با حالت‌هایی مثل اضطراب و ترس کنترل نشد (شاپیرو^۱، ۲۰۰۶). این سازه روان‌شناختی را باید از خودآگاهی^۲ و یا توجه معطوف به خود^۳ متمایز کرد. جلب توجه در خودآگاهی تحت تأثیر سوگیری‌های تفکر خودمحور بوده و با قضاوت راجع به خود همراه است؛ اما ذهن آگاهی یک توجه بدون سوگیری و قضاوت پیرامون جنبه‌های خود است. ذهن آگاهی با سلامت روان رابطه مثبت دارد؛ در حالی که خودآگاهی گاهی اثر منفی بر روی بهزیستی روانی دارد؛ البته خودآگاهی توأم با ارزیابی و قضاوت این ویژگی را دارد (براون و کاسر^۴، ۲۰۰۵؛ براون، رایان و کرسول^۵، ۲۰۰۷؛ فالکنستروم^۶، ۲۰۱۰).

از بین مطالعات صورت گرفته در زمینه رابطه ذهن آگاهی و ابعاد شخصیت، مشکل می‌توان به مطالب دقیق پیرامون چگونگی ارتباط آنها دست یافت؛ زیرا نتایج این پژوهش‌ها غالباً ناهمخوانند. برای مثال ناهمخوانی فوق در مورد عامل برون‌گرایی به وضوح قابل مشاهده است؛ علی‌رغم این‌که برخی از مطالعات وجود همبستگی مثبت بین این سازه شخصیتی و ذهن آگاهی را گزارش نموده‌اند (برای نمونه بیر، اسمیت و آلن^۷، ۲۰۰۴). نتایج برخی مطالعات دیگر، حاکی از رابطه منفی بین برون‌گرایی و ذهن آگاهی است (برای مثال تامپسون و والتز^۸، ۲۰۰۷؛ واترز^۹، ۲۰۰۷). گیلوک^{۱۰} (۲۰۰۹) در یک مطالعه فراتحلیل، نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌هایی را که در آنها ذهن آگاهی در ارتباط با ابعاد شخصیتی و عاطفه مثبت و منفی بررسی شده بود، بررسی کرد. البته در این فراتحلیل، پژوهش‌هایی مدنظر قرار گرفتند که ابعاد شخصیتی را مبتنی بر مدل پنج‌عاملی در نظر گرفته بودند. نتایج فراتحلیل نشان داد در تمامی پژوهش‌ها

^۱. Shapiro

^۲. self awareness

^۳. self-focused attention

^۴. Brown & Kasser

^۵. Brown, Ryan & Creswell

^۶. Falkenstrom

^۷. Baer, Smit & Allen

^۸. Tampson & Waltz

^۹. Waters

^{۱۰}. Giluk

^{۱۱}. Costa & Mc Crae

^{۱۲}. Weeb



۰/۷۹ ، ۰/۷۶ و ۰/۶۱ گزارش دادند. نادری و اسماعیلی (۱۳۸۷) این مقیاس را به طور همزمان با مقیاس شادکامی آکسفورد اجرا کردند که اعتبار همزمان آن ۰/۶۶ به دست آمد و برای تعیین پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده نمودند و ضریب پایایی را ۰/۸۰ گزارش کرد.

۲- مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی^۴ (PANAS) یک مقیاس ۲۰ سؤالی است که برای اندازه گیری دو بعد شامل عاطفه مثبت و عاطفه منفی توسط واتسون و همکاران (۱۹۸۸) تهیه شده است. هر خرده مقیاس ۱۰ ماده دارد که بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای از نمره ۱ (بسیار کم) تا نمره ۵ (بسیار زیاد) تعلق می گیرد. دامنه نمرات برای هر خرده مقیاس ۱۰ تا ۵۰ است. مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی یک مقیاس خودسنجی است و با تغییر دستورالعمل می توان هم حالتی عاطفی و هم خصیصه پایدار عاطفه را سنجید؛ اگر چارچوب زمانی به هفته جاری اشاره کند، حالت عاطفه سنجیده می شود و اگر زمان طولانی تر در نظر گرفته شود، عاطفه خصیصه ای سنجیده می شود. واتسون و همکاران (۱۹۸۸) ویژگی های روان سنجی این مقیاس را مطلوب گزارش کرده اند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس عاطفه مثبت ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس عاطفه منفی ۰/۸۷ بدست آوردند. در ایران پژوهش محمدی (۱۳۹۰) اعتبار و روایی مقیاس را مورد تأیید قرار داده است.

۳- فرم کوتاه نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه شخصیت آیزنک^۵ (EPQR-S): فرم اولیه پرسشنامه، توسط آیزنک و آیزنک (۱۹۷۵)؛ به نقل از آیزنک، آیزنک و بارت^۶، (۱۹۸۵) تهیه شده است که دارای ۹۰ ماده در ۴ خرده مقیاس می باشد. آیزنک و همکاران (۱۹۸۵) پرسشنامه را مورد تجدید نظر قرار دادند و تعداد سؤالات را به ۱۰۰ رساندند. در تجدید نظر دوم تعداد سؤالات به ۴۸ کاهش یافت. در این پژوهش از نسخه ۴۸ ماده ای (فرانسیس، لوئیس و زیبرت^۷، ۲۰۰۶) استفاده شد. این فرم دارای ۴ زیرمقیاس برونگردی، نورزگرایی، سایکوزگرایی و دروغ (هر زیر

مختلف دانشگاه خوارزمی (کرج) در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۵ هستند که ۱۵۲ نفر از آنها (شامل ۹۱ دختر و ۶۱ پسر) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۱/۳۴ (انحراف استاندارد ۱/۹۷) بود. پرسشنامه ها بدون نام طراحی شده بود و به دانشجویان این اطمینان را می داد که کلیه اطلاعات ارائه شده توسط آنان محرمانه بوده و فقط به منظور پژوهش و تحقیق می باشد. در تعیین حجم نمونه به هومن (۱۳۸۹) مبنی بر این که به طور کلی در مدل رگرسیون حجم نمونه می تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه گیری شده تعیین شود، استناد شد. در این پژوهش با در نظر گرفتن امکان ریزش پرسشنامه ها تعداد ۲۰۰ پرسشنامه در بین دانشجویان توزیع گردید و در نهایت ۱۵۲ پرسشنامه در تحلیل داده ها مورد استفاده قرار گرفت. یکی از معیارهای مهم ورود افراد به نمونه، کسب نمره مناسب از مقیاس دروغ سنج (L) پرسشنامه آیزنک بود.

برای اندازه گیری بهزیستی ذهنی بر اساس مؤلفه های آن، از مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) و مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS) استفاده شد.

ب) ابزار

۱. مقیاس رضایت از زندگی^۱ (SWLS): دینر، امونز، لارسن و گرفن^۲ (۱۹۸۵) فرم اولیه این مقیاس را که متشکل از ۴۸ سؤال بود برای سنجش رضایت از زندگی در تمام گروه های سنی تنظیم کردند. بررسی های بعدی آنها تعداد سؤالات پرسشنامه را به ۵ سؤال کاهش داد. نمره گذاری هر سؤال بر اساس طیف لیکرت از ۱ (کاملاً مخاف) تا ۷ (کاملاً موافق) است. دینر و همکاران (۱۹۸۵) روایی مقیاس را مطلوب گزارش نمودند و ضریب بازآزمایی و آلفای کرونباخ آن را در نمونه ای از دانشجویان به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۷ نشان دادند. اسپچیمک، ردهاکریشنن، اویشی، زوکوتو و احدی^۳ (۲۰۰۲) پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در جمعیت های آمریکایی، آلمانی، ژاپنی، مکزیکی و چینی به ترتیب ۰/۹۰ ، ۰/۸۲ ،

^۴. Positive and Negative Affect Scale (PANAS)

^۵. The short-form Revised Eysenck Personality Questionnaire

^۶. Eysenck, Eysenck & Barrett

^۷. Francis, Lewis & Ziebertz

^۱. The Five-item Satisfaction with Life Scale (SWLS)

^۲. Diener, Emmons, Larsen, & Griffin

^۳. Schimmack, Radhakrishnan, Oishi, Dzokoto & Ahadi



در جدول ۲ ضرایب همبستگی متغیرها را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد بین برون‌گرایی و ذهن‌آگاهی رابطه مثبت معنادار و بین نوززگرایی و ذهن‌آگاهی رابطه منفی معنادار وجود دارد.

همچنین ذهن‌آگاهی با عاطفه مثبت و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار و با عاطفه منفی رابطه منفی معنادار نشان داد. برون‌گرایی نیز با عاطفه مثبت و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار و با عاطفه منفی رابطه منفی معنادار دارد. نوززگرایی با عاطفه مثبت و رضایت از زندگی رابطه منفی معنادار و با عاطفه منفی رابطه مثبت معنادار نشان داد.

مقیاس ۱۲ ماده) می‌باشد که به صورت بله-خیر پاسخ داده می‌شوند. آیزنک و همکاران (۱۹۸۵) ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس‌ها در مقیاس تجدید نظر شده اولیه به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۸۱ و ۰/۸۲ در مردان و ۰/۸۵، ۰/۸۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۹ در زنان گزارش دادند. کاپیانی، پورناصح و موسوی (۱۳۸۴) پرسشنامه تجدید نظر شده را در نمونه ایرانی هنجاریابی کرده و ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۷۶ و ۰/۷۱ گزارش دادند.

۴- مقیاس ذهن‌آگاهی، توجه و هشیاری^۱ (MAAS): رایان و براون (۲۰۰۳) این مقیاس ۱۵ سؤالی را به منظور سنجش ذهن‌آگاهی، سطح هشیاری و توجه نسبت به رویدادها و تجارب جاری در زندگی روزانه ساختند. ماده‌ها در مورد آگاهی از حالات عاطفی، تجارب، فعالیت‌ها، بی‌توجهی به مسایل پیرامونی، انجام فعالیت‌ها بدون تمرکز، انجام فعالیت‌ها بدون آگاهی نسبت به آنها و ناآگاهی از زمان شروع و ختم فعالیت‌های روزانه می‌باشند. سؤال‌های آزمون، سازه ذهن‌آگاهی را در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (تقریباً همیشه) تا نمره ۶ (تقریباً هرگز) می‌سنجند. این مقیاس یک نمره کلی برای ذهن‌آگاهی بدست می‌دهد که دامنه آن از ۱۵ تا ۹۰ متغیر بوده و نمره بالاتر نشان‌دهنده ذهن‌آگاهی بیشتر است. همسانی درونی سؤال‌های آزمون بر اساس ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۰ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (رایان و براون، ۲۰۰۳؛ قربانی، واتسون و بارت، ۲۰۰۹). روایی مقیاس با توجه به همبستگی منفی آن با ابزارهای سنجش افسردگی و اضطراب و همبستگی مثبت با ابزارهای سنجش عاطفه مثبت و حرمت‌خود، کافی گزارش شده است (رایان و براون، ۲۰۰۳).

یافته‌ها

از لحاظ جمعیت شناختی شرکت کنندگان این پژوهش ۱۵۲ نفر دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۹ سال بودند. داده‌های مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرها در جدول ۱ آمده است.

^۱. Mindfulness Attention Awareness Scale



جدول ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=۱۵۲)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کوچکترین	بزرگترین
برون‌گرایی	۷/۸۳	۲/۸۱	۰	۱۲
نورزگرایی	۵/۷۶	۳/۰۹	۰	۱۲
رضایت از زندگی	۲۱/۵۹	۶/۷۰	۵	۳۵
عاطفه مثبت	۳۴/۳۰	۶/۱۷	۲۱	۴۸
عاطفه منفی	۲۶/۵۲	۷/۹۱	۱۰	۵۰
ذهن‌آگاهی	۵۹/۹۴	۱۰/۶۸	۳۲	۸۴

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

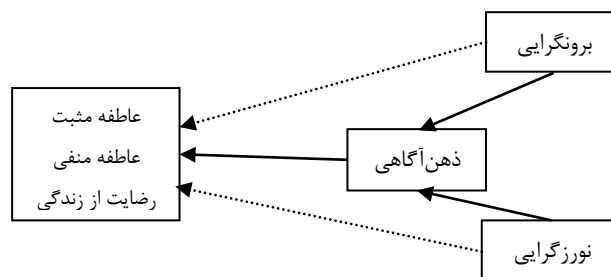
متغیر	برون‌گرایی	نورزگرایی	رضایت از زندگی	عاطفه مثبت	عاطفه منفی	ذهن‌آگاهی
برون‌گرایی	۱					
نورزگرایی	-۰/۴۰۴ **	۱				
رضایت از زندگی	۰/۲۰۹ *	-۰/۴۱۷ **	۱			
عاطفه مثبت	۰/۴۷۵ **	-۰/۳۱۶ **	۰/۴۲۸ **	۱		
عاطفه منفی	-۰/۱۷۷ *	۰/۶۲۳ **	-۰/۵۱۰ **	-۰/۴۲۳ **	۱	
ذهن‌آگاهی	۰/۲۲۱ **	-۰/۵۴۱ **	۰/۳۵۱ **	۰/۳۱۰ *	-۰/۶۱۰ **	۱

* (P<۰/۰۵) ** (P<۰/۰۱)

بین متغیر مستقل و وابسته به طرف صفر کاهش یابد و از معناداری بیفتد، در آن صورت متغیر به صورت کامل واسطه شده است و اگر رابطه بین این دو متغیر کاهش یابد اما هنوز معنادار باشد، متغیر به صورت جزئی واسطه شده است.

با توجه به جدول ۲، سه شرط اول برای بررسی نقش واسطه‌ای متغیر ذهن‌آگاهی در رابطه برون‌گرایی/نورزگرایی با بهزیستی ذهنی وجود دارد. در جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای بررسی شرط چهارم آمده است.

با استناد به سرمد (۱۳۷۸) برای تعیین نقش واسطه‌ای یک متغیر، باید چهار شرط تعیین متغیر واسطه‌ای وجود داشته باشد: الف) رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر واسطه‌ای وجود داشته باشد. ب) بین متغیر واسطه‌ای و متغیر وابسته، رابطه معناداری وجود داشته باشد. ج) بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه معناداری وجود داشته باشد. د) رابطه بین متغیر مستقل و وابسته به هنگام ورود متغیر واسطه‌ای در معادله رگرسیون به طور معناداری کاهش پیدا کند. اگر رابطه



شکل ۱. مدل فرضی روابط میان متغیرها



جدول ۳. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش واسطه ذهن آگاهی در رابطه میان برون گرایی/نورزگرایی با بهزیستی ذهنی (بهزیستی ذهنی شامل رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی)

رگرسیون	مدل	متغیر	اندازه F	سطح معناداری	ضریب بتا	سطح معناداری
ذهن آگاهی در رابطه	۱	برون گرایی	۱۵/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۵۴۸
		نورزگرایی		-۰/۳۹۷	۰/۰۰۰	
برون گرایی/نورزگرایی با رضایت از زندگی	۲	برون گرایی	۱۲/۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۵۴۸
		نورزگرایی		-۰/۳۰۲	۰/۰۰۲	
ذهن آگاهی		ذهن آگاهی		۰/۱۷۷	۰/۰۴۰	
	۱	برون گرایی	۲۴/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵	۰/۰۰۰
	نورزگرایی	-۰/۱۴۸		۰/۰۵۹		
برون گرایی/نورزگرایی با عاطفه مثبت	۲	برون گرایی	۱۸/۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵	۰/۰۰۰
		نورزگرایی		-۰/۰۴۳	۰/۶۲۹	
ذهن آگاهی		ذهن آگاهی		۰/۱۹۵	۰/۰۱۰	
	۱	برون گرایی	۴۸/۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۰/۲۰۰
	نورزگرایی	-۰/۶۵۹		۰/۰۰۰		
برون گرایی/نورزگرایی با عاطفه منفی	۲	برون گرایی	۴۹/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	۰/۱۵۶
		نورزگرایی		-۰/۴۵۱	۰/۰۰۰	
ذهن آگاهی		ذهن آگاهی		-۰/۳۸۶	۰/۰۰۰	

مطابق با نتایج جدول ۳، برای رضایت از زندگی، متغیر نورزگرایی و ذهن آگاهی، تبیین کننده تغییرات رضایت از زندگی هستند. با ورود ذهن آگاهی به رگرسیون از اندازه بتای نورزگرایی کاسته شده ولی همچنان معنادار است؛ بنابراین ذهن آگاهی در رابطه نورزگرایی با رضایت از زندگی به طور جزئی واسطه شده است.

برای عاطفه مثبت، برون گرایی و ذهن آگاهی تبیین کننده تغییرات هستند که با ورود ذهن آگاهی به رگرسیون، اندازه بتای برون گرایی کاهش یافته ولی از معناداری نیفتاده است. بنابراین ذهن آگاهی در رابطه برون گرایی با عاطفه مثبت به طور جزئی واسطه شده است.

به همین ترتیب برای متغیر عاطفه منفی، نورزگرایی و ذهن آگاهی تبیین کننده هستند که با ورود ذهن آگاهی به رابطه، اندازه بتای نورزگرایی کم شده؛ ولی همچنان معنادار است. پس ذهن آگاهی به طور جزئی در رابطه نورزگرایی با عاطفه منفی واسطه شده است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر بین برون گرایی و ابعاد بهزیستی ذهنی شامل عاطفه مثبت و رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بین برون گرایی با عاطفه منفی نیز رابطه منفی معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش (ایمنوس و دینرا، ۱۹۸۵؛ میرس، ۱۹۹۲؛ استیل، اسپمیدت و شولتز، ۲۰۰۸؛ کاترین، تام، رنه، دیانا و یان، ۲۰۱۳) همسو است. یک تبیین برای این مسأله که برون گرایی با بهزیستی مرتبط می‌شود (استیل و همکاران، ۲۰۰۸). پشتوانه نظری آن، همپوشانی بین سیستم مغزی مسئول شخصیت و بهزیستی است که در نظریه حساسیت به تقویت گری (۱۹۹۱) دیده می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که دو سیستم می‌توانند ارتباط

^۱. Emmons & Diener

^۲. Myers

^۳. Steel, Schmidt & Shultz

^۴. Catharine, Tom, Rene, Diana & Ian

^۵. Gray



عاطفی عمده‌ترین بعد عاطفی انسان است و ثبات عاطفی پیش‌بینی‌کننده قوی رضایت از زندگی است. از آنجا که افراد نوززگرا فاقد ثبات هیجانی هستند و در مقابل ناکامی‌های جزئی واکنش عاطفی زیادی از خود نشان می‌دهند، رضایت از زندگی کمتری را تجربه می‌کنند.

در این پژوهش مشخص شد که بین ذهن‌آگاهی و برون‌گرایی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش بیر و همکاران (۲۰۰۴) همخوان و با نتایج مطالعات تامپسون و والتز (۲۰۰۷) و واترز (۲۰۰۷) که به رابطه منفی برون‌گرایی و ذهن‌آگاهی دست یافته‌اند، مغایر است. همچنین ذهن‌آگاهی با بهزیستی ذهنی ارتباط مثبت دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون درباره نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی در رابطه بین برون‌گرایی/نورزگرایی با بهزیستی ذهنی می‌توان گفت که ذهن‌آگاهی، میانجی رابطه نورزگرایی با مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی (شامل رضایت از زندگی و عاطفه منفی) است. در بعد برون‌گرایی، ذهن‌آگاهی فقط در مورد اثر آن بر عاطفه مثبت به عنوان واسطه عمل کرده است. این یافته‌ها با تحقیقات ونزل، کریستینا، سارا و توماس^۶ (۲۰۱۵) که در آن به نقش واسطه‌ای ذهن‌آگاهی در رابطه بین نورزگرایی و بهزیستی دست یافته‌اند، همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که مطابق با پژوهش‌های پیشین، افراد نورزگرا معمولاً هیجان‌های منفی مثل اضطراب و نگرانی را بیشتر تجربه می‌کنند و نورزگرایی و نگرانی ارتباط نزدیکی با هم دارند. در آزمون‌های اضطراب مشخص شده است نگرانی توجه را به سمتی غیر از لحظه حاضر می‌کشاند. پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که نگرانی ممکن است به واکنش‌پذیری بیشتر منجر شود؛ چرا که رویدادهای منفی بیشتر به صورت مرتبط با خود و به صورت مشکل تفسیر می‌شوند (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). هنگام بروز مشکلات، نگرانی توجه را از لحظه حاضر منحرف می‌کند، انعطاف‌پذیری شخص کمتر شده و کمتر قادر به قضاوت خود می‌شود (ونزل و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین نگرانی که از ویژگی‌های افراد نورزگرا است باعث کاهش ذهن‌آگاهی می‌گردد و چون ذهن‌آگاهی موجب تعدیل احساسات بدون قضاوت و افزایش آگاهی نسبت به

هیجان و شخصیت را تبیین کنند: ۱) سیستم فعال‌ساز رفتاری که مسئول شناسایی و پی‌گیری نشانه‌های پاداش و روی‌آوری رفتاری است و ۲) سیستم بازداری رفتاری که رفتار را در حضور تنبیه تنظیم می‌کند و به نشانه‌های تنبیه و عدم پاداش حساس است. سیستم فعال‌ساز رفتاری با هیجان مثبت و برون‌گرایی ارتباط دارد و سیستم بازداری رفتاری با هیجان منفی و نورزگرایی مرتبط می‌شود (گری، ۱۹۹۱). از سوی دیگر پژوهش‌ها ارتباط بین رفتارهای خاص با بهزیستی ذهنی را مشخص کرده‌اند. نقش شخصیت در ارتباط بین این رفتارها با بهزیستی ذهنی به وسیله ایده‌تناسب عمل با شخصیت انسان^۱ قابل تبیین است (لیبومیرسکی^۲، ۲۰۰۷؛ لیبومیرسکی، کینگ و دینر^۳، ۲۰۰۵). براساس الگوی تناسب عمل با شخصیت انسان، تفاوت‌های فردی از قبیل شخصیت کمک می‌کنند تا دریابیم کدام فعالیت‌ها تأثیر بیشتری بر بهبود بهزیستی ذهنی دارند؛ در نتیجه شخصیت از طریق تأثیرش بر رفتار، به ایجاد رویدادهایی در زندگی که در سطوح بهزیستی ذهنی مؤثرند کمک می‌کند (استیل و همکاران ۲۰۰۸). برای مثال موقعیت‌های اجتماعی با سطوح بالای عاطفه مثبت ارتباط دارند (لوکاس و دیرنفورث^۴، ۲۰۰۸)، بنابراین شادکامی بیشتر برون‌گراها نسبت به درون‌گراها به این دلیل است که آنها تمایل به گذراندن اوقات بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی دارند (دینر و همکاران، ۱۹۹۹).

پژوهش حاضر نشان داد بین نورزگرایی و ابعاد عاطفه مثبت و رضایت از زندگی رابطه منفی معناداری و بین نورزگرایی با عاطفه منفی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این یافته با یافته‌های (وود و جوزف^۵، ۲۰۰۹؛ چنج و فارنهایم، ۲۰۰۳؛ اسویکرت و همکاران، ۲۰۱۰) همسو است و با یافته ویب (۲۰۱۳) ناهمسو است. به عقیده هیلز و آرجیل (۲۰۰۲) ثبات هیجانی مهم‌ترین عامل مؤثر بر شادمانی است و فقدان نورزگرایی یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های شادمانی است. آنها معتقدند که ثبات

^۱. The idea of suitable personal activity

^۲. Lyubomirsky

^۳. Lyubomirsky, King & Diener

^۴. Lucas & Dyrenforth

^۵. Wood & Joseph

^۶. Wenzel, Christina, Sarah & Thomas



لذت‌بخش یا آزارنده بودن آن است (بیر، ۲۰۰۳). ممکن است ذهن‌آگاهی با مکانیسم توجه به لحظه اکنون و بهتر کردن خودتنظیمی به بهزیستی ذهنی بیشتر کمک کند (براون، رایان و کرسول، ۲۰۰۷). ذهن‌آگاهی از طریق بهبود تنظیم رفتار که یکی از نتایج مدیریت توجه است، در بهزیستی ذهنی نقش دارد (براون و رایان، ۲۰۰۳). افراد برون‌گرا با سطح بالای ذهن‌آگاهی و با توجه به تجربه لحظه حال، بهتر می‌توانند رفتار خود را در رابطه با رویداد در حال وقوع تنظیم کنند، تا کمتر تحت تأثیر پیامدهای احتمالا ناخوشایند رویداد قرار گیرند و در نتیجه رضایت زندگی بیشتر، هیجانات مثبت بیشتر و به تبع آن احساس بهزیستی ذهنی بیشتری را تجربه کنند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر و استفاده از ابزارهای خودگزارشی اشاره کرد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ضمن استفاده از طرح‌های آزمایشی، اندازه‌گیری متغیرها در یک دوره زمانی صورت گیرد تا اطلاعات دقیق‌تری به دست آید.

احساسات روانی و جسمانی می‌شود، به واضح دیدن و پذیرش هیجانات و پدیده‌های فیزیکی، همانطور که اتفاق می‌افتد کمک می‌کند (براون و رایان، ۲۰۰۳) و همبستگی بالایی با بهزیستی ذهنی دارد. بنابراین پایین بودن ذهن‌آگاهی در کاهش نمرات بهزیستی روانی نقش مهمی دارد. برون‌گراها انگیزش کم‌تری دارند، در نتیجه در جستجوی تحریک‌های شدیدتر بر می‌آیند تا آنها را به سطح بهینه انگیزش برساند (آیزنک، ۱۹۶۷؛ به نقل از میتوز و گیلی‌لند، ۱۹۹۹). به نظر می‌رسد این ویژگی باعث می‌شود که آنها بیشتر توجه خود را به محیط معطوف کنند و به دنبال محرک‌های خوشایندشان برآیند و در نتیجه ذهن‌آگاهی بالایی دارند؛ یعنی به شکل قوی تمایل به توجه به محرک‌های درونی و بیرونی برای یافتن سطح تحریک بهینه دارند و توجه‌شان را به جنبه‌های مختلف تجربه در حال وقوع معطوف کرده و از انجام امور بصورت خودکار و فارغ از توجه سرباز می‌زنند. این ذهن‌آگاهی بالا در افراد برون‌گرا موجب می‌شود دارای توجه هوشیارانه باشند. توجه هوشیارانه، شامل ابراز موضعی دلسوزانه، علاقه‌مندانه، دوستانه و صادقانه نسبت به تجربه مشاهده شده در لحظه حال و بدون اعتنا به

منابع

- in psychological well-being. *Personality & Social Psychology*, ۸۴, ۸۲۲-۸۴۸.
- Brown, K.W., Ryan, R.M., Creswell, J.D. (۲۰۰۷). Mindfulness: Theoretical foundations and evidence for its salutary effects. *Psychological Inquiry*, ۱۸, ۲۱۱-۲۳۷.
- Catharine, R.G., Tom, B., Rene, M., Diana, K., Ian, J.D. (۲۰۱۳). Neuroticism and Extraversion in youth predict mental wellbeing and life satisfaction ۴۰ years later. *Journal of Research in Personality*, ۴۷, ۶۸۷-۶۹۷.
- Cheng, H., Furnham, A. (۲۰۰۳). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression. *Personality and Individual Differences*, ۳۴, ۹۲۱-۹۴۲.
- Costa, P.T., Mc Crae, R.R. (۱۹۹۲). Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being: Happy and unhappy people. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۳۸(۴), ۶۶۸-۶۷۸.
- Diener, E. (۲۰۰۵). Guidelines for national indicators of subjective well-being and ill-
- Bear, R. A. (۲۰۰۳). Mindfulness training as a clinical intervention: A conceptual and empirical review. *Clinical Psychology Science and Practical*, ۱۰ (۶), ۱۲۵-۱۴۳.
- Baer, R.A., Smit, G.T., Allen, K.B. (۲۰۰۴). Assessment of mindfulness by self-report: intervention: The Kentucky Inventory of Mindfulness Skills. *Journal of Assessment*, ۱۱(۳), ۱۹۱-۲۰۶.
- Bradley, R.H., Corwn, R.F. (۲۰۰۴). Life satisfaction among European American, African American, Chinese American, Mexican American, and Dominican American adolescents. *International Journal of Behavioral Development*, ۲۸, ۳۸۵-۴۰۰.
- Brown, K.W., Kasser, T. (۲۰۰۵). Are Psychological and Ecological Well-Being Compatible? The Role of Values, Mindfulness, and Life style. *Social Indicators Research*, ۷۴, ۳۴۹-۳۶۸.
- Brown, K.W., Ryan, R.M. (۲۰۰۳). The benefits of being present: Mindfulness and its role



- Happiness. *Personality and Individual Differences*, ۳۱, ۱۳۵۷-۱۳۶۴.
- Hooman, H.A. (۲۰۰۱). *Multivariate data analysis in scientific research*. Tehran, Parsa Publish.[Persian]
- Joseph, S., Lindley, A.P. (۲۰۰۶). *Positive therapy: A meta-theory for psychological practice*. USA: Rutledge presses.
- Kabat-Zinn, J. (۲۰۰۲). *Coming to our senses: Healing ourselves and the world through mindfulness*. New York: Hyperion.
- Kavyani, H., Poornaseh, M., Mosavi, A. (۲۰۰۵). Validation revised Eysenck Personality Questionnaire in Iranian population. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, ۱۱(۳), ۳۰۴-۳۱۱. [Persian]
- Keyes, C.L.M. (۱۹۹۸). Social well-being. *Social Psychology Quarterly*, ۶۱, ۱۲۱-۱۴۰.
- Lucas, R.E., Dyrenforth, P.S. (۲۰۰۸). Explaining the extraversion/positive affect relation: Sociability cannot account for extravert's greater happiness. *Journal of Personality*, ۷۶(۳), ۳۸۵-۴۱۴.
- Lyubomirsky, S. (۲۰۰۷). *The how of happiness: A scientific approach to getting the life you want*. New York, NY: The Penguin Press.
- Lyubomirsky, S., King, L., Diener, E. (۲۰۰۵). The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success? *Psychological Bulletin*, ۱۳۱(۶), ۸۰۳-۸۵۵.
- Matthews, G., Gilliland, K. (۱۹۹۹). The personality theories of H.J.Eysenck and J.A.Gray: a comparative review. *Personality and Individual Differences*, ۲۶, ۵۸۳-۶۲۶.
- Mohamadi, N. (۲۰۱۰). Factor structure and model mix of Positive and Negative Affect Scale. *Journal of Behavioral Sciences*, ۵(۱), ۲۱-۲۶ [Persian]
- Myers, D. G. (۱۹۹۲). The secrets of happiness. *Psychology Today*, ۲۵(۴), ۳۸-۴۵
- Naderi, F., Esmaeli, A. (۲۰۰۸). Death anxiety and suicide ideation with well-being in students. *The Journal of New findings in Psychology*, ۳۵-۴۶. [Persian]
- Nikolaou, I., Judge, T.A. (۲۰۰۷). Fairness Reactions to Personnel Selection Techniques in Greece: The role of core self-evaluations. *International Journal of Selection and Assessment*, ۱۵(۲), ۲۰۶-۲۱۹.
- Rusting, C.L. Larsen, R. (۱۹۹۸). Extraversion, neuroticism, and susceptibility to positive being, www.wamumd.Edu/cgraham/courses/Does/PUAF۶۹۸R-DienerGuide.
- Diener, E. D., Emmons, R., Larsen, R., & Griffin, S. (۱۹۸۵). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, ۱, ۷۱-۷۵.
- Diener, E., Suh, E.M., Lucas, R.E., Smith, H.L. (۱۹۹۹). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, ۱۲۵(۳), ۲۷۶-۳۰۲.
- Emmons, R.A., Diener, E. (۱۹۸۵). Personality correlates of subjective well-being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, ۱۱(۱), ۸۹-۹۷.
- Eysenck, S.B.G., Eysenck, H.J., Barrett, P. (۱۹۸۵). A revised version of the psychoticism scale. *Personality and Individual Differences*, ۶, ۲۱-۲۹.
- Falkenstrom, F. (۲۰۱۰). Studying Mindfulness in Experienced Mediators: A Quasi-Experimental Approach. *Personality and Individual Differences*, ۴۸, ۳۰۵-۳۱۰.
- Francis, L. J., Lewis, C. A., & Ziebertz, H. (۲۰۰۶). The short-form revised Eysenck personality Questionnaire (EPQR-S): A German edition. *Social Behavior and Personality*, ۳۴, ۱۹۷-۲۰۴.
- Frisch, M.B. (۲۰۰۶). *Quality of life therapy: applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Gable, S.L., Haidt, S. (۲۰۰۵). What (and why): Is positive psychology? *Review of General Psychology*, ۹, ۱۰۳-۱۱۰.
- Ghorbani, N., Watson, P.J., Bart L. (۲۰۰۹). Mindfulness in Iran and the United States: Cross-Cultural Structural Complexity and Parallel Relationships with Psychological Adjustment. *Current Psychology*, ۲۸, ۲۱۱-۲۲۴.
- Giluk, T. L. (۲۰۰۹). Mindfulness, Big Five personality, and affect: A meta-analysis. *Personality and Individual Difference*, ۴۷, ۸۰۵-۸۱۱.
- Gutierrez, J.L.G., Jimenez, B.M., Hernandez, E.G., Puente, C.P. (۲۰۰۵). Personality and subjective wellbeing: Big five correlates and demographic variables. *Personality and Individual Differences*, ۳۸, ۱۵۶۱-۱۵۶۹.
- Hilles, P., & Argyle, M. (۲۰۰۱). Emotional stability as a Major Dimension of



- representative sample. *Psychology Science*, 19, 205-210.
- Wells, A. (2009). *Metacognitive therapy for anxiety and depression*. New York: The Guilford Press.
- Wenzel, M., Christina, V., Sarah, H., Thomas, K. (2010) Curb your neuroticism- Mindfulness mediates the link between neuroticism and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 48, 78-70.
- Wood, A.M., Joseph, S.J.M. (2009). Gratitude predicts psychological well-being above the Big Five facets. *Personality and Individual Differences*, 46: 443-7
- Zeleneski, J.M., Larsen, R.J. (2002). Predicating the future: How affect- related personality traits influence likelihood judgments of future events. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(7), 1000-1110.
- and negative affect: a test of two theoretical models. *Personality and individual differences*, 22 (5), 607- 612.
- Ryan, R.M., Brown, K.W. (2003). Why We Don't Need Self-Esteem: on Fundamental Need, Contingent Love, and Mindfulness. *Psychological Inquiry*, 14, 27-82.
- Ryan, R.M., Deci, E.L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudemonic well-being. *Annual review of psychology*, 52(1), 141- 166.
- Sarmad, Z. (1999). Moderating and mediating variables: strategic and conceptual distinction. *Psychological research*, 3 (3), 73-81. [Persian]
- Schimmack, U., Radhakrishnan, P., Oishi, S. H., Dzokoto, V., Ahadi, S. (2002). Culture, personality, and subjective well-being: Integrating process models of life satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 582-593.
- Shapiro, S.L., Carlson, L.E., Astin, J.A., Freedman, B. (2006). Mechanisms of mindfulness. *Journal of Clinical Psychology*, 62(3), 373-386.
- Steel, P., Schmidt, J., Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being. *Psychology Bullten*, 134(1): 138-61.
- Swickert, R., Hittner, J. B., & Foster, A. (2010). Big Five traits interact to predict perceived social support. *Personality and Individual Differences*, 48, 736-741.
- Tampson. B. L., & Waltz, J. (2007). Everyday mindfulness and mindfulness meditation: Overlapping constructs or not? *Personality and Individual Differences*, 43, 1870- 1880.
- Waters, C.G. (2007). Personality and dissociation: Evidence from a slide-viewing physiology paradigm. Doctoral dissertation, North Dakota State University. *Dissertation Abstracts International*, 68 (5), 351-353.
- Watson, D., Clarck, L.A., Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: the PANAS Scale. *Personality and Social psychology*, 54, 1063-1070.
- Weiss, A., Bates, T. C., & Luciano, M. (2008). Happiness is a personality thing: The genetics of personality and well-being in a